

تحلیل گفتمان مصاحبه لری کینگ با رئیس جمهور ایران و مقایسه آن با سه رئیس جمهور دیگر

حسن بشیر

عضو هیئت علمی گروه فرهنگ و ارتباطات دانشکده ی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) bashir@isu.ac.ir

علی فرقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه دانشکده صدا و سیما دانشگاه صدا و سیما ali.forqani@gmail.com

چکیده :

این مقاله به تحلیل گفتمان رسانه ای مصاحبه های لری کینگ با چهار رئیس جمهور ایران، روسیه، پاکستان، و اکراین می پردازد تا جلوه های ساخت تصاویر رسانه ای معرفی شوند. توضیح آنکه، در تاریخ بیست و سوم سپتامبر ۲۰۰۸، لری کینگ مصاحبه گر معروف شبکه سی.ان.ان آمریکا با رئیس جمهوری ایران، دکتر محمود احمدی نژاد، مصاحبه ای انجام داد که این مصاحبه از جنبه های مختلف هم در ایران و هم در آمریکا بازتاب های گوناگونی داشت. از آنجا که مصاحبه لری کینگ با روسای جمهوری يك امر معمول برای او و شبکه سی.ان.ان است، این پژوهش بر آن شده است تا با انجام تحلیل مقایسه ای گفتمان این مصاحبه و مصاحبه کینگ با سه رئیس جمهوری دیگر، به این پرسش ها پاسخ گوید که آیا اساسا گفتمان این مصاحبه ها یکسان است؟ این چهار مصاحبه هر يك چه کارکردهایی دارند؟ در انجام این مصاحبه ها چه گروهی هدف قرار گرفته و یا به عبارتی شبکه سی.ان.ان، مخاطب اصلی این مصاحبه ها را چه کسی می داند؟ مردم کشور هدف، مردم آمریکا، افکار عمومی جهانی، سیاستمداران و نخبگان جهانی و یا ... هستند؟

کلید واژه ها: لری کینگ، احمدی نژاد، ولادیمیر پوتین، ویکتور یوچنکو، پرویز مشرف، تحلیل گفتمان، سی.ان.ان.

مقدمه:

تحلیل گفتمان، راهی برای عبور از لایه های سطحی زبان و رسیدن به لایه های زیرین آن فراهم می کند. هدف تحلیل گفتمان، نشان دادن نقش های ناپیدایی است که زبان در مناسبات قدرت بازی می کند، زیرا زبان در تحلیل گفتمان، محملی برای طرح ایدئولوژی ها فراهم می کند (فرکلاف، ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۹). یکی از شاخه های تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان سیاسی است که همان گونه که از نامش پیداست به تحلیل گفتمان های موجود در دنیای سیاست و تحلیل گفتمان ارتباطات گفتاری و شنیداری عالم سیاست می پردازد (شیلتون و شفتر، ۱۹۹۷: ۲۰۷)، زیرا سیاست فارغ از زبان و رابطه ای که زبان با قدرت و ایدئولوژی دارد، بخش اعظمی از موجودیت خود را از دست می دهد. بی شک، رسانه ها نقش مهمی در توسعه و انتشار گفتمان های سیاسی و ایجاد يك رابطه گفتمانی میان سیاستمداران و مردم دارند (اکستروم، ۲۰۰۱: ۵۶۴). رسانه ها با بهره گیری از قدرت نفوذ بی همتای خود، نه تنها به انتقال گفتمان های سیاسی ناشی از قدرت می پردازند، بلکه در بسیاری موارد خود به دستگاه های گفتمان ساز تبدیل می شوند. شبکه های رسانه ای قدرتمند جهان همچون سی.ان.ان، به مدد نفوذ جهانی خود، علاوه بر آنکه به منزله رسانه، عهده دار انتقال بی کم و کاست وقایع و رویدادها هستند، بلکه در بسیاری از موارد، با شکستن چارچوب های سنتی رسانه نقش گفتمان ساز را بازی می کنند؛ یعنی در قالب برنامه های مختلف از جمله مستندها، تحلیل و تفسیر خبر و مصاحبه ها سعی بر آن دارند که به صورتی ظریف و در پرده، گفتمان های مورد نظر خود (که در بسیاری موارد قرابت زیادی با گفتمان دولت دارد) را به مخاطب دیکته کنند.

طرح مسئله؛ سیاست رسانه ای و ساخت تصاویر ذهنی

ارتباطات سیاسی به واسطه فرایندهای جهانی آزادسازی و آزادگذاری و گسترش فناوری های رسانه ای جدید در حال تغییر است. از جمله این تغییرات این است که نقش آفرینان و موضوعات سیاسی در رسانه های گروهی، نمود پیدا کرده است. به عبارت دیگر می توان گفت که سیاست **رسانه ای** شده است. یکی از تغییرات مهم سیاسی در عصر رسانه ای شدن سیاست، کم رنگ شدن نقش احزاب در **سیاست رسانه ای** است. در میان رسانه ها، تلویزیون نقش مهمی در ارتباطات سیاسی جدید بازی می کند. به قول مانوئل کاستلز، رسانه های الکترونیک در دموکراسی های معاصر "فضای ممتاز سیاست" شده اند که در این فضا تلویزیون جایگاه ویژه ای دارد (اکسفورد و هاگینز، ۲۰۰۱: ۴۹-۵۰). مصاحبه های تلویزیونی به دلیل ماهیت ویژه آنها، می توانند یکی از نمودهای بارز سیاست رسانه ای شده باشند که در آنها مصاحبه کننده به نمایندگی از گفتمان رسانه و سیاستمدار به نمایندگی از گفتمان قدرت، هر يك سعی در محق جلوه دادن گفتمان خود دارند. با توجه به این که شبکه سی.ان.ان به دلیل سلطه سیاسی آمریکا بر جهان و همچنین گستره پوشش جغرافیایی خود، به منزله يك رسانه قدرتمند و مرجع، در جهان مطرح است، آنچه از این شبکه پخش می شود، می تواند بازتاب های مختلفی در سطوح مختلف و برای مخاطبان متنوع داشته باشد. بنابراین تحلیل گفتمان مصاحبه لری کینگ - مصاحبه گر معروف این شبکه در برنامه لری کینگ لایو. با رئیس جمهوری ایران و مقایسه آن با سه مصاحبه دیگر از این جنس به ما کمک می کند تا اساسا با تفاوت های گفتمان رسانه ای غرب در قبال کشورهای مختلف

آشنا شویم و هم شیوه گفتمانی این رسانه‌ها را با سیاستمداران خود در آینده پیش‌بینی کنیم. برای انجام این پژوهش، پرسش‌های مصاحبه لری کینگ با رئیس جمهوری ایران با پرسش‌های او از سه رئیس جمهوری دیگر در زمان ریاست آنها از دیدگاه گفتمانی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند:

۱. **ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهوری سابق روسیه
 ۲. **ویکتور یوچنکو**، رئیس جمهوری سابق اوکراین
 ۳. **پرویز مشرف**، رئیس جمهوری سابق پاکستان
- دلیل انتخاب مصاحبه لری کینگ با این افراد عبارت است از:
۱. ایجاد تعادل میان متحدان و مخالفان آمریکا، به این صورت که می‌توان گفت در هنگام انجام مصاحبه‌ها، ایران و روسیه دچار تضاد منافع با آمریکا بودند و اوکراین و پاکستان کشورهای دوست آمریکا محسوب می‌شدند.
 ۲. نزدیکی زمانی مصاحبه‌ها به هم
 ۳. هم‌ترازی منصب‌های مصاحبه‌شوندگان و یکی بودن مصاحبه‌کننده.
- این تحقیق دو روش را برای کار خود انتخاب کرده است:
۱. تحلیل گفتمان مصاحبه‌ها به‌طور انفرادی،
 ۲. مطالعه مقایسه‌ای گفتمان‌های چهارگانه با همدیگر.

برای بیان روشن‌تر مسئله نگاهی به کمبودهای پژوهشی نیز لازم است. پژوهش‌های زیادی در باره ی تحلیل محتوای و تحلیل گفتمان مصاحبه‌های لری کینگ انجام نشده است، در عین حال در اینجا سه پژوهش مشابه به‌عنوان پیشینه کار انتخاب شده‌اند.

۱. در پژوهشی که درباره سه شومن معروف آمریکایی یعنی لری کینگ از سی.ان.ان، بیل اوریلی از فاکس نیوز و کریس متیوس از ام.اس.ان.بی.سی انجام شد، نتایج زیر به دست آمد (گزارش سالانه درباره ی روزنامه نگاری در آمریکا، ۲۰۰۵).

۱-۱. این سه نفر به‌طور متوسط ۸۱ درصد وقت برنامه خود را به مصاحبه اختصاص می‌دهند که در میان آنها لری کینگ با ۹۵ درصد بیشترین سهم را دارد.

۲-۱. لری کینگ حدود ۲۵ درصد از وقت هر برنامه را به موضوعات سرگرم‌کننده از زندگی شخصی میهمان اختصاص می‌دهد که این رقم دو برابر اوریلی با ۲۱ درصد و سه برابر متیوس با ۱۳ درصد است.

۳-۱. در حالی که اوریلی ۹۷ درصد برنامه‌اش را حول قضاوت‌های خود از مصاحبه‌شونده می‌گرداند، لری کینگ تنها دو درصد، قضاوت‌های خود را در مصاحبه‌هایش دخیل می‌کند.

۲. مخاطب شناسی برنامه‌های لری کینگ در آمریکا (آناند و بی‌الوف، ۲۰۰۸).

این پژوهش به مخاطب شناسی نمایش‌های گفتگویی در دو شبکه معروف آمریکا یعنی سی.ان.ان و فاکس نیوز اختصاص دارد که بخشی از این پژوهش به برنامه لری کینگ لایو و مخاطب‌شناسی آن پرداخته است. برای مثال در این پژوهش آمده است که از حیث تحصیلات افراد دیپلمه (البته واژه دیپلم معادل پایان تحصیلات دبیرستانی آمریکا در ایران است) با ۲۸ درصد، بیشترین بینندگان برنامه لری کینگ هستند.

۳. لائو باخ (۲۰۰۷) در تحقیقی نشان داد که قصد عمده شوهای تلویزیونی در مصاحبه با افراد مشهور، سرگرم کردن مخاطب است. در حالی که مصاحبه با دانشمندان هدف انتقال مفاهیم علمی را دنبال می‌کند و هدف این برنامه‌ها از مصاحبه با سیاستمداران به چالش کشیدن استراتژی‌های سیاسی آنهاست (تاگی، ۲۰۰۸: ۷۶-۸۰). مسئله اینجاست که نگاه ایرانی در این باره می‌باید اضافه شود و ما در این مقاله سعی داریم این کمبود جبران شود.

مبانی نظری: کاربرد تحلیل گفتمان برای شناخت جریانهای گفتمانی مصاحبه‌های لری کینگ

در ابتدا لازم است توضیح داده شود که گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه‌های اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آنها، جملگی بستگی به این دارند که، کجا، چگونه، توسط چه کسی یا علیه چه چیزی یا چه کسی، در چه بستر و با چه قدرت و وسعتی به کار رفته‌اند.

اما یک پرسش اساسی مطرح است و آن این‌که خاستگاه گفتمان‌ها کجاست؟ در پاسخ به این پرسش، **میشل فوکو** معتقد است که «هر حادثه‌ای، در درون گفتمان خودش قابل تحلیل است». او هر نوع گفتمانی را گرفتار ساختار اجتماعی برآمده از قدرت می‌بیند و قدرت را علت نهایی هر گفتمانی می‌داند. او گفتمان‌ها را سازنده سوزها و موضوع‌ها می‌داند، به این معنی که این گفتمان‌ها هستند که مشخص می‌کنند، چه کسی، در چه زمانی با چه کسی و درباره چه چیزی می‌تواند صحبت کند (تاجیک، ۱۳۷۸: ۱۵).

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری - مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌ها - است.

تحلیل گفتمان به توصیف روابط بین **کارکرد و ساختار جمله** می‌پردازد، در تحلیل گفتمان، باید گامی فراتر از تشریح زمینه متن برداشت و به بافت یا زمینه موقعیتی فرهنگی و اجتماعی پرداخت. پس تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درونی زبانی (زمینه متن)، واحدهای زبانی، محیط زبانی و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (مثل زمینه‌های فرهنگی - سیاسی و اجتماعی) را مطالعه می‌کند (لطفی پور، ۱۳۷۲: ۱۰).

پس آنچه، مورد اجماع بیشتر زبان‌شناسان گفتمانی است، این است که گفتمان‌ها را باید در ساختارهای زبانی فراتر از زمینه متن مطالعه کرد.

با توجه به چنین پیش‌زمینه‌ای می‌توان گفت که تحلیل گفتمان می‌تواند با توجه به دو بعد اساسی انجام گیرد:

نخست، در ساختار زبان‌شناسانه و دوم در رابطه بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی - مانند فرهنگ، محیط و اجتماع. در بعد **دوم**، عوامل فرازبانی مثل محیط، اجتماع، سیاست و قدرت و مانند این‌ها هستند که سوز و موضوع گفتمان را مشخص می‌کنند و حتی در بعد نخست تحلیل گفتمان، یعنی صورت‌های زبانی نیز تاثیرگذارند. در این‌جا، بعد اول تحلیل

گفتمان را می‌توان **صورت‌گرایی** و بعد یا دیدگاه دوم را **کارکردگرایی** نامید. در این مقاله، عمدتاً صورت دوم تحلیل یعنی بعد کارکردگرایی مد نظر قرار گرفته است. به این معنی که به رابطه فضای گفتمانی با توجه به شرایط فرامتنی گفتگو توجه شده است.

۱- فن معنای بیان: بر مبنای فن معنای بیان، هر گفتمان، به موضوعات و اهداف معینی می‌پردازد و مفاهیم و مضامین خاصی را مد نظر قرار می‌دهد و تعدادی دیگر را کنار می‌نهد.

۲- معنای موضوعی: این مضمون، به‌ویژه در گفتمان‌هایی که گوینده (در اینجا مصاحبه‌کننده) خود و گروه خود را مثبت و بدون هر گونه ایراد، و فکر مقابل را نادرست، منفی و پست می‌شمارد، کاربرد دارد.

۳- مفاهیم ضمنی: همان‌طور که اشاره شد، یکی از ابعاد تحلیل گفتمان، بعد **کارکردشناسی** آن است، یعنی این که تحلیل‌گر، در صورت زبانی گفتمان متوقف نمی‌شود و برای کشف کارکرد گفتمان، به مفاهیم ضمنی یا تلویحی موجود در آن می‌پردازد. بی‌شک هر چه گوینده، نویسنده، مصاحبه‌گر یا هر گفتمان‌ساز دیگری، در کار خود چیره دست‌تر باشد، تلاش می‌کند تا معانی را در قالب‌های ضمنی و تلویحی بگنجانند و آنها را در ظاهر کار آشکار نسازد تا از مظان جانبداری در امان باشد.

۴- واژگان: در فن تحلیل گفتمان، واژگان دارای بار معنایی فرض می‌شوند و حالت خنثی ندارند. این واژگان از قدرت موقعیت سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی گوینده / نویسنده نشئت می‌گیرند و بنابراین نمی‌توانند فارغ از موقعیت تحلیل و مطالعه شوند. از آنجا که بسیاری از موقعیت‌ها در يك گفتار یا نوشتار **ایدئولوژی بنیاد** هستند، واژگان می‌توانند نماینده ایدئولوژی **گفتمان‌ساز** باشند. پس می‌توان با کمی اغماض چنین حکم داد که در هر گفتار و گفتمانی، ایدئولوژی ویژه‌ای وجود دارد که در تك تك کلمات و در بار معنایی آنها مستتر یا آشکار است. پس هر گفتمانی را می‌توان به‌نوعی نماینده يك ایدئولوژی خاص فرض کرد و با این دید آن را تحلیل کرد (ون دایک، ۲۰۰۱).

الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف

فرکلاف در الگوی تحلیل گفتمان خود، رابطه قدرت و زبان را از دو بعد مورد توجه قرار می‌دهد: **۱- قدرت در زبان و ۲- قدرت پشت زبان** (فرکلاف، ۱۹۹۱: ۴۳-۷۵).

در اینجا تحلیل گفتمان بر مبنای تحلیل قدرت در ترکیبات زبانی، به علت دور شدن از هدف اصلی مقاله و طولانی شدن بحث، مطالعه نمی‌شود.

هر چند که فرکلاف قدرت در زبان و قدرت پشت زبان را در هم تنیده و تفکیک ناپذیر می‌داند، اما برای يك تحلیل‌گر، لازم است که فرض را بر جدایی این دو قرار دهد تا تحقیق روش‌مند شود.

فرکلاف قدرت پشت زبان را در سه سطح مطرح می‌کند:

۱. توصیف: این سطح عبارت است از توجه به مضامین، روابط و هویت‌های واژگان و دستور زبان آن. در این سطح تحلیل‌گر متن را متأثر از زمینه و شرایط، تحلیل می‌کند. این مرحله خود در سه مرحله مورد نظر قرار می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۹-۲۱۱).

الف: واژگان:

- ۱- واژگانی که دلالت بر ارزش‌های تجربی دارند کدام‌اند؟
- ۲- چه واژگانی محل منازعه ایدئولوژیک هستند؟
- ۳- آیا واژگان تعریف‌شونده در متن وجود دارد؟

ب- ساختارهای دستوری:

- ۱- ساختار دستوری حاوی کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟
- ۲- آیا ضمایی مانند **ما و شما** وجود دارد؟ (همان: ۱۷۰)

ج- ساختارهای متن (همان: ۱۷۱)

۲. تفسیر

متن در فضایی مجرد و خلاء‌وار شکل نمی‌گیرد، بلکه تحت تاثیر گفتمان‌های موجود است و این مخاطبان هستند که به‌طور فعال اما غیرمستقیم، ساختار، محتوا و گفتمان مصاحبه‌ها را مشخص می‌کنند (همان: ۲۱۵).

۲. تبیین: این مرحله به فرایندهای تولید و تفسیر گفتمان دلالت دارد. در این سطح، متن به‌منزله بخشی از يك فرایند فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود و متن با توجه به زمینه و بستر اجتماعی تحلیل می‌شود. در این سطح، تحلیل‌گر بر آن است که ساختار و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر گفتمان را کشف کند (همان: ۲۴۶-۲۴۷).

نتیجه‌گیری از مبنای نظری

یکی از مراحل کار تحلیل گفتمان، انتخاب شاخص‌های این تحلیل براساس اهداف تحقیق است. شاخص‌ها، خود براساس سطوح موردنظر تحلیل گفتمان، متناسب با آنچه باید تحلیل شود، انتخاب می‌شوند.

این تحقیق، با هدف تحلیل گفتمان از بعد کارکردگرایی و بدون حذف کامل بعد صورت‌گرایانه پرسش‌های مصاحبه‌لری کینگ با چهار رئیس جمهوری (ایران، روسیه، پاکستان و اوکراین) با تاکید بر فن معنای بیان، معنای موضوعی، مفاهیم ضمنی و واژگان و با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف را مطالعه می‌کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که آنچه در این پژوهش مبنای شاخص‌سازی برای تحلیل گفتمان پرسش‌های مصاحبه‌های لری کینگ با روسای جمهور، قرار گرفته است، تحلیل کارکردگرایی، توصیفی، تبیینی و تفسیری متن براساس مضامینی چون فن معنای بیان، معنای موضوعی، مفاهیم ضمنی و واژگان است.

در مجموع گفتمان مصاحبه‌ها براساس ۶ شاخص زیر، تحلیل می‌شوند:

- ۱- واژگان (منفی - مثبت):** این مولفه، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به شمار می‌آیند، همراه با کارکرد آنها در متن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای مثال واژه‌هایی مثل دوست، همکار، متحد جزء واژه‌های سفید و مثبت و واژه‌هایی مثل دشمن، مخالف جزء واژگان منفی یا سیاه محسوب می‌شوند.
- ۲- افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن و نگرش متن به آنها (مثبت یا منفی):** این که کدام افراد و نهادهای مطرح شده در مصاحبه‌ها، بار مثبت و کدام بار منفی دارند. این متغیر، حاوی داوری مصاحبه‌کننده (لری کینگ) در مورد افراد و نهادهای ذکر شده در متن است و همان‌طور که بحث شد، زبان و ایدئولوژی، دو جزء جدایی‌ناپذیر در گفتمان هستند، پس می‌توان نتیجه گرفت که تصویری که در این مصاحبه‌ها، از افراد و نهادهای ساخته می‌شود، تصویر موردنظر ایدئولوژی حاکم بر رسانه‌ها و مورد تایید سیاست‌مداران آمریکایی است.
- ۳- قطب‌بندی (غیرسازی):** در يك گفتمان سیاسی (نظیر آنچه در مصاحبه‌های لری کینگ وجود دارد) گفتمان

قدرتمندتر مدام حوزه خود را گسترده و قلمرو دیگر را محدودتر می کند (همان: ۱۷۱ و ۱۹۴). برای مثال، استفاده از ضمیر «ما» نشانگر آن است که نویسنده / گوینده / مصاحبه‌گر خود را نماینده یک جمع می‌داند و برعکس استفاده از ضمیر «آنها» و «ایشان» یا «شما» بیانگر خط فاصل میان گوینده / نویسنده با دیگران و تاکید او بر «غیرسازی» است.

۴- استناد یا ذکر شواهد: این که گوینده یا نویسنده به کدام منبع مشروعیت‌ساز یا مورد قبول دیگران برای اثبات ادعای خود، ارجاع می‌کند، می‌تواند در قابل قبول یا غیر قابل قبول جلوه کردن استدلال‌ها موثر واقع شود.

۵- پیش فرض‌ها: پیش فرض‌ها، افکار قالبی و پیش داورک‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهند (همان: ۲۳۰).

۶- دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی): شناخت دلالت‌های ضمنی در مرحله تفسیر متن، به تحلیل‌گر کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از دانش زبانی نشان دهد که فلان جمله یا گزاره حاوی کدام معانی ضمنی و نااشکار است و نویسنده از به‌کار بردن آن، چه قصد و نیتی داشته است و کاربرد این دلالت‌ها کدام معانی یا پیام‌ها را به همراه دارد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۴۹-۵۲).

پیش از آغاز تحلیل گفتمان مصاحبه‌های لری کینگ با چهار رئیس جمهوری، **احمدی‌نژاد، ولادیمیر پوتین، زرنال پرویز مشرف و ویکتور یوشچنکو** ذکر دو نکته ضروری است:

۱. پاره‌ای از پرسش‌ها به‌دلیل رعایت اختصار و کم‌اهمیت بودن برای هدف پژوهش حذف شده‌اند.
۲. از میان عوامل شش گانه تحلیل گفتمان، ۵ عامل اول به‌دلیل رعایت اختصار در جدول شماره ۱ و ۳ جمع‌آوری شده‌اند و از این میان فقط عامل دلالت‌های ضمنی به‌دلیل نیاز به شرح و بسط بیشتر در پایان هر پرسش ذکر شده‌اند.
ابتدا به معرفی لری کینگ به‌طور خلاصه می‌پردازیم.

لری کینگ کیست؟

لری کینگ در ۱۹ نوامبر ۱۹۲۲ در بروکلین نیویورک و در خانواده یهودی که از یهودیان ریشه‌دار آمریکایی بودند، متولد شد و اکنون تقریباً ۷۵ ساله است. او شش بار ازدواج کرده که پنج تایش به جدایی انجامیده ولی همسر فعلی‌اش خانم شاون ساوت کیت یک هنرپیشه آمریکایی است که کینگ از او دو فرزند پسر دارد. دوران حرفه‌ای حضور لری کینگ در رسانه‌ها با ملاقات او با یکی از گویندگان شبکه سی بی‌اس در سال ۱۹۵۷ رقم خورد؛ چراکه این گوینده به کینگ گفت می‌تواند گوینده خوبی باشد و او را برای رفتن به فلوریدا و پیوستن به «راديو میامی» تشویق کرد و این راهی بود که در نهایت به اولین حضور لری در رادیو به تاریخ اول مه ۱۹۵۷ و به‌عنوان دستیار اتاق فرمان و متصدی صدا انجامید. او در سال ۱۹۷۰ درگیر یک ماجرای کلاهبرداری شد و به‌دلیل انجام معاملات غیرقانونی در بازار، به زندان افتاد. پس از آن مجدداً به صحنه تلویزیون برگشت ولی حمله قلبی بسیار شدید وی در سال ۱۹۸۷ باعث شد کینگ مجبور به عمل جراحی قلب باز شود. شدت این مشکل به‌حدی بود که او کتابی در این مورد نوشت و در آن توضیح داد حمله قلبی چطور زندگی‌اش را تغییر داده است.

پنجاه سال سابقه او در رسانه و سال‌ها سابقه در اجرای برنامه‌های تلویزیونی باعث به ارمغان آوردن جوایز فراوانی برای او شده است و جایزه «به یاد ماندنی‌ترین چهره گفت وگوهای تلویزیونی آمریکا» در مراسم جایزه امی را می‌توان مهم ترین آنها دانست. برنامه زنده **لری کینگ لایو** هم در سال ۱۹۸۵ راه افتاد و از سال ۱۹۹۴ به‌شکل روزانه و رادیو-تلویزیونی (به‌طور همزمان) درآمد است. محل اصلی این برنامه، استودیوی سی.ان.ان در لس آنجلس است؛ ولی گاهی از استودیوهای سی.ان.ان در نیویورک و واشنگتن دی‌سی هم پخش می‌شود. او در طول این سال‌ها بیش از ۴۰ هزار مصاحبه در برنامه‌اش انجام داده و از زمان جرالده فورد به بعد، با تمامی روسای جمهوری آمریکا گفت‌وگو کرده است. برنامه مشترک او با حضور یاسر عرفات، شاه حسین و اسحاق رابین در سال ۱۹۹۵ با موضوع صلح خاورمیانه یکی از مهم‌ترین برنامه‌های او بوده و گاهی با محکومان حاضر در زندان یا آنهایی که با حکم دادگاه در خانه‌هایشان محبوس شده‌اند، هم گفت‌وگو می‌کند که مهم‌ترین نمونه‌های آن را می‌توان گفت‌وگویش با مایک تاپسون و کارلا تاگر (نخستین زن آمریکایی که اعدام شد) دانست.

برنامه‌های پیاپی ۲۹ شبی کینگ بعد از توفان کاترینا و دعوت از ۲۵۰ مهمان در آن برنامه‌ها و بیش از ۵۰۰ مصاحبه بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر و حضور ۳۵ رئیس جمهور یا مقام ارشد مملکتی در برنامه لری کینگ در آن مقطع، از رکوردهای «لری کینگ لایو» محسوب می‌شود. مهم‌ترین مهمانان کینگ با دروای عده کوچکی از آنها را می‌توان در این اسم‌ها پیدا کرد؛ جرج بوش پدر و پسر و همسران آنها، مارلون براندو، تونی بلر، جیمی و راسلین کارتر، بیل و هیلاری کلینتون، جرالده فورد و همسرش، فرانک سیناترا، میخائیل گورباچف، مایکل جردن، بابی کندی، مونیکا لوبینسکی، سرپل مک کارتی، رونالد ریگان، آل پاچینو، النور روزولت (همسر فرانکلین روزولت)، رونالد ریگان و همسرش، الیزابت تیلور، مارگارت تاچر، اپرا وینفری، محمد علی کلی و مالکوم ایکس. خیلی وقت‌ها که لری کینگ به‌دلیل بیماری یا گرفتاری به برنامه‌اش نمی‌رسد و آن زمان رایمان سیکرت یا نانسی گریث هستند که به جای او برنامه را اجرا می‌کنند. مهم‌ترین برنامه‌های کینگ در این مدت این‌ها بوده‌اند.

الف - مناظره بین ال گور و راس در سال ۱۹۹۲ که رکورد بینندگان تلویزیونی در سی.ان.ان را شکست.
ب- حضور باربارا والترز، مجری ای.بی.سی در بیستمین سالگرد برنامه کینگ و گفت‌وگوی او با لری کینگ.
کینگ در برنامه‌هایش اصول مشخصی دارد و مهمانش را براساس آن اصول سوال‌پیش می‌کند. خود کینگ در این باره می‌گوید: «من به کسی حمله نمی‌کنم. این روش من نیست. من برای خودم راه و روش ویژه‌ای دارم و مثلاً به جای این‌که مثل همه مردم از این هنرپیشه بپرسم که پروژه بعدی یا فیلم بعدی شما چیست، می‌پرسم بعد از این چه کار می‌کنی؟»

کینگ یکی از مخالفان سرسخت تاک - شوهای نسل جدید هم به حساب می‌آید؛ «مهمانان در برنامه‌های جدید گفت‌وگوی تلویزیونی مثل میز و صندلی صحنه به حساب می‌آیند. مجری‌های جدید می‌نشینند و به سخنرانی مهمانشان گوش می‌دهند ولی من با مهمانم حرف می‌زنم، او را به چالش می‌کشم و با کمال احترام، از حرف‌های او انتقاد می‌کنم» (روزنامه هموطن سلام، ۱۳۸۷).

تحلیل گفتمان در عمل

در این بخش، از مقاله به تحلیل گفتمان مصاحبه‌ها، براساس ۶ شاخص اشاره شده در بخش میانی نظری پرداخته می‌شود.

ضمناً در برخی سوالات، پاسخ مصاحبه‌شونده (روسای جمهور) به‌طور کاملاً خلاصه و تک کلمه‌ای ذکر شده است تا ذهن خواننده از جریان کلی مصاحبه خارج نشود و وحدت موضوع حفظ شود. همچنین برای رعایت اختصار، پاره‌ای از

پرسش‌ها که از لحاظ گفتمانی ارزش چندانی نداشته‌اند، حذف شده‌اند.

مصاحبه لری کینگ با ویکتور پوشچنکو

سوال ۱- کینگ: واکنش شما به آنچه در کشور ما در اثر توفان کاترینا پیش آمد، چیست؟
تحلیل گفتمان پرسش براساس شاخص‌های شش‌گانه:

دلالت‌های ضمنی: رئیس‌جمهور اوکراین در پاسخ نسبت به این حادثه احساس تاسف کرده و ملت اوکراین را همدرد ملت آمریکا دانسته است. کینگ در اولین سوال در صدد این بوده است که تصویری از اوکراین به‌عنوان ملت دوست با آمریکا ترسیم کند.

سوال ۲- آقای رئیس‌جمهور! بعضی می‌گویند که واکنش ابتدایی دولت آمریکا بسیار کند بوده است و این باعث شده که مردم سراسر دنیا، کمتر روی ما حساب کنند. آیا این باعث چنین فکری در شماست؟

دلالت‌های ضمنی: یکی از دلالت‌های ضمنی این سوال به شاخص استناد بر می‌گردد. یعنی آنجا که لری کینگ با گفتن «بعضی‌ها» می‌خواهد چنین القا کند که این حرف بی‌اساس است. این‌که این بعضی چه کسانی یا ملت‌ها یا دولت‌هایی هستند، و چقدر اعتبار دارند، مطرح نشده است. مصاحبه‌کننده با این شیوه می‌خواسته چنین بگوید که این «بعضی» سخنانشان بی‌اعتبار است.

همچنین در بیان قطب‌بندی "ما و دنیا" می‌توان چنین استدلال کرد که آمریکا در يك کفه ترازوی جهان ایستاده است و همه دنیا در طرف دیگرند و این دو کفه برابری می‌کنند؛ یعنی اخبار آمریکا برای همه دنیا مهم و سرنوشت‌ساز است.

سوال ۳- همه دنیا می‌دانند که چه اتفاقی برای شما افتاده، آنها با شما چه کردند؟ چه احساسی دارید؟

توضیح: منظور سمیوید که به رئیس‌جمهور اوکراین خوانده شده بود.

دلالت‌های ضمنی: با توجه به پاسخ مصاحبه‌شونده مبنی بر این‌که مردم در کلیساها برای سلامتی من دعا می‌کردند و با توجه به دو پرسش پیش که سعی در ساختن تصویر مثبت از رئیس‌جمهور و ملت اوکراین داشته‌اند، نوعی تلقین در این پرسش وجود دارد، به این صورت که سعی دارد نوعی حس همدلی در مخاطب ایجاد کند.

سوال ۴- ملاقات شما با کاندیدی رایس چگونه بود؟ نیکولاس برنس، معاون وزیر خارجه گفته است که اوکراین به‌رغم تحولات اخیر در مسیر درستی گام بر می‌دارد. واکنش شما به این اظهارات چیست؟

دلالت‌های ضمنی: ۱. اوکراین در مسیر درستی حرکت می‌کند. ۲. حرکت‌های اخیر اوکراین مورد رضایت آمریکاست. ۳. تحولات اخیر به نفع اوکراین بوده است.

سوال ۵- پس شما خوش‌بین هستید؟

دلالت‌های ضمنی: چشم‌انداز پیوستن اوکراین به سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا روشن است و این کشور در مسیر درستی گام بر می‌دارد.

سوال ۶- شما کابینه را منحل و نخست‌وزیر را بر کنار کردید یکی از آنها یولیا تیموشنکو بود که در تحولات اخیر، شریک شما بود، چه اتفاقی افتاد؟

دلالت‌های ضمنی: شما به کسی که شریک شما بوده است، پشت کرده‌اید. پس شما چندان قابل اعتماد نیستید.

سوال ۷- خانم تیموشنکو گفته است که او را به‌خاطر مردمی بودنش اخراج کرده‌اید. آیا واقعیت دارد؟

دلالت‌های ضمنی: یولیا تیموشنکو از شما محبوبتر است پس شما تحمل او را نداشتید، چون محبوبتر از شما بود. پس شما فردی قدرطلب هستید که هرکس قدرت شما را به‌خطر بیندازد را حذف می‌کنید.

سوال ۸- بزرگترین مشکلی که کشور شما پیش‌رو دارد چیست؟

دلالت‌های ضمنی: کشور شما با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌روست .

سوال ۹- روابط شما با پوتین چگونه است؟

دلالت‌های ضمنی: در اینجا مسلماً نوعی دلالت ضمنی وجود دارد که البته برای فهم آن باید روابط روسیه - آمریکا و روسیه - اوکراین در آن زمان مطالعه شود.

سوال ۱۰- به مسئله مسمومیت بر گردیم. هیچکس مسئولیت این کار را بر عهده نگرفت؟

دلالت‌های ضمنی: این سوال وقتی معنا می‌یابد که به دو پرسش بعدی توجه کنیم. پس این سوال مقدمه‌ای برای دو سوال بعدی است.

سوال ۱۱- چگونه با چهره جدیدتان روبه‌رو شدید؟

توضیح: پس از ابتلا به مسمومیت، چهره رئیس‌جمهور اوکراین، ناول زده و تا حدودی زشت و ترسناک شده بود.

دلالت‌های ضمنی: چهره جدید شما حاصل عمل محکومیت‌بار عده‌ای بوده است که شما را از آن چهره زیبا به این چهره در آورده‌اند.

سوال ۱۲- به فضای دیگری وارد شویم. بعضی‌ها درباره شیوه زندگی پسر ۱۹ ساله شما انتقاد دارند. او يك خودروی بی‌امو گران قیمت می‌راند، موبایل بسیار گران دارد، محافظ شخصی دارد. هنگامی‌که يك گزارشگر، در این‌باره از شما پرسید، عصبانی شدید. آیا این يك موضوع عمومی نیست؟

دلالت‌های ضمنی: پسر شما بسیار مجلل زندگی می‌کند و هزینه این شیوه زندگی احتمالاً از پول شما یا جایی دیگر خرج می‌شود که معلوم نیست از کجاست.

همچنین شما فردی هستید که کنجکاوی‌های افکار عمومی درباره خودتان را بر نمی‌تابید.

سوال ۱۳- مهم‌ترین چیز این است که او پسر خوبی است.

دلالت‌های ضمنی: هرچند که این جمله کینگ يك گزاره خبری و نه يك پرسش است، اما به‌دلیل اهمیت آن در فضای گفتمانی مصاحبه و نقشی که این جمله در برجسته‌سازی دارد، به تحلیل آن می‌پردازیم:

این‌که پسر شما چگونه زندگی می‌کند، مسئله مهمی نیست، بلکه مهم‌ترین چیز که مردم نیز باید به آن توجه کنند، این است که او پسر خوبی است. پس این مردم هستند که باید فکر خود را عوض کنند و به این فکر کنند که او پسر خوبی است. شاید کینگ با این سوال خواسته است که رئیس‌جمهوری اوکراین را از اتهام وارد شده تبرئه کند.

مصاحبه لری کینگ با ولادیمیر پوتین

سوال ۱- در مورد این شغل، چه چیزی شما را شگفت زده می‌کند؟

دلالت‌های ضمنی: شما فردی جاه‌طلب هستید که کار به‌منزله رئیس‌جمهور و قدرت داشتن شما را مجذوب

می‌کند.

سوال ۲- آیا شما از این کار لذت می‌برید؟

دلالت‌های ضمنی: قدرت داشتن باعث لذت شما می‌شود، پس شما ممکن است فرد قدرت‌طلبی باشید.

سوال ۳- بیایید به بخشی بپردازیم که شاید لذت‌بخش نبوده باشد. چه اتفاقی برای زیردریایی افتاد؟

دلالت‌های ضمنی: غرق شدن زیردریایی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی بوده است که شما در طول ریاست جمهوری‌تان با آن مواجه بوده‌اید.

سوال ۴- چرا؟ چه عاملی باعث غرق شدن آن شد؟ چه اتفاقی افتاد؟ ما چه می‌دانیم؟

دلالت‌های ضمنی: آیا شما به ما (که نماینده همه دنیا هستیم) درست پاسخ داده‌اید که چه اتفاقی برای زیر دریایی افتاده است؟

سوال ۵- آقای رئیس جمهور! در همه دنیا گفته می‌شود که چرا شما از دیگر کشورها کمک نخواستید؟

دلالت‌های ضمنی: حتماً چیزی در مورد غرق شدن این زیر دریایی وجود داشته است که شما نمی‌خواستید بقیه کشورها از آن مطلع شوند و همچنین شما یک کشور تک‌رو هستید.

سوال ۶- آیا اگر به گذشته برگردید، کاری در گذشته هست که با اطلاعات امروزتان، به گونه‌ای دیگر انجام دهید؟

دلالت‌های ضمنی: به احتمال زیاد، کارهایی وجود داشته است که شما آنها را به خطا یا نادرست انجام داده‌اید و اکنون متوجه شده‌اید که این کارها خطا بوده است (برای مثال موضوع زیر دریایی).

سوال ۷- به‌عنوان نتیجه‌گیری درباره زیر دریایی، آیا ما روزی درباره آنچه اتفاق افتاد، کاملاً خواهیم دانست؟ شما چه فکر می‌کنید.

دلالت‌های ضمنی:

۱. شما باید به ما بگویید که چه اتفاقی افتاد. ۲. شما به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی نکرده‌اید.

سوال ۸- آیا این اتفاق، برای شما درباره تمام سیستم نظامی روسیه نگرانی ایجاد می‌کند؟

دلالت‌های ضمنی: نظیر این اتفاق می‌تواند برای تمام سیستم نظامی روسیه حادث شود، پس روسیه کشور آسیب‌پذیری است.

سوال ۹- آیا شما با کلیتون درباره امکان همکاری در فعالیت‌های جستجوی زیر دریایی بحث کردید؟

دلالت‌های ضمنی: از آنجا که آمریکا، کشور خیرخواهی است، پس در صورت طلب کمک از دولت آمریکا، مسلماً به شما کمک می‌شد.

سوال ۱۰- شما ال گور، معاون رئیس جمهور را می‌شناسید، درست است؟

دلالت‌های ضمنی: با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و رقابت ال گور و بوش، و از آنجا که شما ال گور را می‌شناسید، احتمالاً ترجیح می‌دهید که او رئیس جمهور شود.

سوال ۱۱- آیا شما علاقه‌ای به دنبال کردن رقابت انتخاباتی آمریکا دارید؟

دلالت‌های ضمنی: بی‌شک انتخابات آمریکا برای کشور شما سرنوشت‌ساز است.

سوال ۱۲- آیا به هیچ‌یک از کاندیداها علاقه دارید؟ آیا علاقه دارید دو کاندیدا را ملاقات کنید؟ مواضع کدامیک، بوش یا ال گور را درباره روسیه می‌پسندید؟

دلالت‌های ضمنی: با توجه به سوال شماره ۱۱، به‌نظر می‌رسد که کینگ درصد است تا چنین تلقین کند که برای روسیه و شخص بوتین، ال گور مناسب‌تر از بوش است.

سوال ۱۳- به‌نظر شما درباره خیلی چیزها با کلیتون صحبت کردید. درباره این تاجر، ادموند پپ، او رئیس یک

سرویس جاسوسی است. تلاش زیادی وجود دارد که او را به آمریکا بازگردانند. می‌گویید شما با آمریکا درباره او معامله می‌کنید. داستان آقای پپ چیست؟

این سوال یک سوال واضح و شفاف است و شاید بتوان گفت که فقط برای روشن شدن موضوع است و دلالتی در ضمن آن وجود ندارد.

سوال ۱۴- آیا شما یک جاسوس بودید؟ منظورم این است که می‌خواستید یک جاسوس باشید. شما در کی.جی.بی. (کا.گ.ب) کار می‌کردید. آیا جاسوسی بین ملت‌های دوست هنوز وجود دارد؟

دلالت‌های ضمنی: یکی از دلالت‌های ضمنی این سوال تنزل دادن مقام رئیس جمهور روسیه به حد یک جاسوس است. پس ممکن است این فرد به‌دلیل تربیت‌های جاسوسی میل به جاسوس‌بازی داشته باشد. در ضمن یک تداعی دیگر، تداعی دوستی بین ملت‌های آمریکا و روسیه است.

سوال ۱۵- آیا شما از کارتان در کی.جی.بی. لذت می‌بردید؟

دلالت‌های ضمنی: این پرسش در راستای دو پرسش پیش است.

سوال ۱۶- می‌دانم که شما در تلاشید که آمریکا را از سیستم دفاع ضد موشکی و نظایر آن برحذر دارید، چه چیزی شما را نگران می‌کند اگر کشور دیگری فقط سیستم دفاعی بسازد؟ تا زمانی که کشوری به کشور دیگر حمله نکرده

است چه تفاوتی دارد که ۸۰ میلیارد دلار سیستم دفاعی داشته باشیم؟ چرا برای شما مهم است؟

دلالت‌های ضمنی:

۱. آمریکا ۸۰ میلیارد دلار سیستم دفاعی ضد موشکی دارد.

۲. این سیستم فقط دفاعی است و تا زمانی که کشوری به کشور دیگر حمله نکرده است از آن استفاده نمی‌کند. پس آمریکا صلح‌طلب است.

سوال ۱۷- آیا شما فکر می‌کنید آمریکا به‌واسطه این سیستم‌ها پیشرفت خواهد کرد؟

دلالت‌های ضمنی: آمریکا به‌واسطه داشتن سیستم‌های پیشرفته دفاعی فاصله خود را با کشورهای دیگر مثل روسیه بیشتر خواهد کرد.

سوال ۱۸- درباره جنبه‌های دیگر زندگی بحث می‌کنیم؛ او رئیس یک کشور است. او انتخاب شده است. فکر می‌کنم ۱۰۰ روز پیش، درست است؟ مطبوعات آزاد و بحث‌های مثل این درباره روسیه در آمریکا بسیار است. اکنون ولادیمیر

گوسینسکی در زندان است. برزوفسکی، یک غول رسانه‌ای است که خواسته است، مقر خود را به ایالات متحده منتقل کند. آیا شما به دنبال سرکوب مخالفان هستید؟

دلالت‌های ضمنی: در این پرسش، کینگ کوشیده است تا با ارائه شواهد، نشان دهد که بوتین یک فرد انحصارطلب و سرکوبگر است. در ضمن ملت آمریکا، به آزادی و دموکراسی در کشورهای دیگر بهای بسیار می‌دهد.

همچنین با مطرح کردن این عبارت که «او انتخاب شده است»، گوئی به نوعی می‌خواهد، انتخاب شدن او را زیر سوال

ببرد، زیرا کینگ يك امر بدیهی را مطرح می‌کند، پس شاید با مطرح کردن آن، قصدش این بوده که انتخاب شدن پوتین را زیر سوال ببرد.

سوال ۱۹- بگذارید درباره چچن صحبت کنیم. آیا قابل حل است؟ آیا سربازان شما در آنجا می‌مانند؟ می‌دانم در آستانه جنگ، مردم از شما حمایت می‌کردند. اما اکنون آنها سوالات خود را دارند. موقعیت امروز چگونه است؟

دلالت‌های ضمنی: مردم روسیه اکنون با جنگ در مقابل چچن، مخالف هستند.
سوال ۲۰- داستان‌های غم‌انگیز درباره اقتصاد روسیه می‌شنویم. نیمی از مردم زیر خط فقر هستند. فساد و مافیا زیاد است. سلامت ملت چیست؟ ثبات کشور چیست؟
دلالت‌های ضمنی:

۱- فقر و فساد در روسیه بسیار است.

۲- کشور روسیه ثبات ندارد.

۳- شما در اداره کشور موفق نبوده‌اید.

سوال ۲۱- شما يك متخصص جودو هستید. آیا جودو را می‌شناسید؟ شما در تیم مدرسه بودید؟ هنوز تمرین دارید؟
دلالت‌های ضمنی: این سوال در وهله اول بی‌اهمیت به نظر می‌رسد، اما شاید منظور کینگ از این سوال توجه دادن مخاطب به علاقه پوتین به ورزش‌های رزمی و در نتیجه خوی رزم‌طلب او باشد.

سوال ۲۲- آیا تجارت آمریکا به دلیل فساد، درباره سرمایه‌گذاری در روسیه، دودل است؟

دلالت‌های ضمنی: ۱. اقتصاد روسیه فاسد است ۲. تجارت آمریکا سالم است و فقط در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کند که دارای سلامت اقتصادی باشد.

سوال ۲۳- درباره اعتقادات مذهبی ولادیمیر پوتین زیاد شنیده می‌شود. شنیده‌ام که صلیبی بر گردن دارید، درست است؟ آیا شما مذهبی هستید؟

دلالت ضمنی: باید دید که منظور کینگ از مذهبی بودن چیست و او با این واژه چه چیزی را می‌خواهد القا کند. شاید این سوال در جهت تعادل بخشیدن به جریان مصاحبه باشد، زیرا مذهب در شکل عام آن به‌ویژه مسیحیت یک ارزش مثبت در میان آمریکاییان محسوب می‌شود.

سوال ۲۴- آیا به قدرت برتر اعتقاد دارید؟

دلالت ضمنی: این سوال يك ظاهر دارد و يك باطن. ظاهر آن این است که آیا شما به خدا به‌عنوان يك قدرت برتر اعتقاد دارید و باطن آن می‌تواند تلقین این نکته باشد که همان‌طور که خلقت به يك نیروی برتر نیاز دارد، دنیا نیز يك قدرت برتر برای اداره کردن و نظم بخشیدن به آن نیازمند است و آن آمریکاست.

مصاحبه لری کینگ با ژنرال پرویز مشرف

جمله اول: امشب يك مصاحبه اختصاصی با ژنرال پرویز مشرف داریم که کشور او متحد آمریکا در مبارزه با تروریسم است.

هر چند که این جمله، سوال نیست اما جای تحلیل گفتمان دارد.

دلالت‌های ضمنی: از ابتدای مصاحبه، کینگ، پرویز مشرف را يك چهره مثبت و حامی آمریکا در منطقه معرفی می‌کند. پس نخستین تصویری که از او ساخته می‌شود، تصویری مثبت برای مردم آمریکاست.

سوال ۱- دیروز رئیس امنیت طالبان گفته است که مشرف دشمن ماست و هدف بعدی ما اوست. آیا این اظهارنظر باعث نگرانی شماست؟

دلالت ضمنی: از آنجا که پاکستان متحد آمریکاست، پس طالبان دشمن مشترك آمریکا و پاکستان است و همچنین این‌که طالبان قرار است به اقدامات تروریستی ادامه دهد، پس لازم است که آمریکا و متحدانش هوشیار باشند.

سوال ۲- آیا پیوستن به مبارزان ضدتروریسم در جهان برای شما تصمیم سختی بود؟

دلالت ضمنی:

۱. در پاکستان نظر واحدی درباره مبارزه با تروریسم وجود ندارد.

۲. پیوستن به مبارزان با تروریسم تصمیم آسانی نیست.

سوال ۳- شما پیش از این، گروه طالبان را حمایت می‌کردید. چه چیزی تغییر کرد؟

دلالت‌های ضمنی: شما پیش از این جزء تروریست‌ها بودید، چون از تروریسم حمایت می‌کردید و در ضمن متحد آمریکا نبودید.

سوال ۴- نهایت حمایت شما از تلاش‌های آمریکا کجاست؟ آیا به سربازان آمریکایی در پاکستان خوش‌آمد می‌گویید؟
دلالت‌های ضمنی: پاکستان باید مشخص کند که آیا حمایتش از آمریکا حد و مرز دارد یا نه و این مرز کجاست؟ شاید هدف کینگ از این پرسش این بوده است که از مشرف بشنود که حمایت پاکستان از آمریکا حد و مرز ندارد. خوش‌آمد گویی به سربازان آمریکایی به معنی حمایت پاکستان از مبارزان ضد تروریسم است. پس درواقع مشرف باید پاسخ دهد تا کجا از مبارزه بر ضد تروریسم حمایت می‌کند.

سوال ۵- آیا سربازان پاکستانی نیز همکاری می‌کنند؟

دلالت‌های ضمنی: پیوستن سربازان پاکستانی به سربازان آمریکایی در مبارزه، نشانه اثبات ادعای پاکستان مبنی بر حمایت از آمریکاست. همچنین، در پاسخ به این سوال مشرف باید به‌طور دقیق مواضع خود را اعلام کند.

سوال ۶- ملاقات هفته گذشته خود را با کالین پاول موفقیت‌آمیز می‌دانید؟

این پرسش، يك پرسش شفاف و بدون دلالت ضمنی است.

سوال ۷- شما موافقت کردید که با يك دولت فراگیر در افغانستان همکاری کنید. نظر شما درباره این دولت چیست؟
دلالت‌های ضمنی: پاکستان ضمانت کرده است که دولت فراگیر را در افغانستان حمایت کند و با آن همکاری کند پس اگر چنین نکرد، برخلاف گفته خود عمل کرده است.

سوال ۸- چه نقشی را برای اتحاد شمال قائل هستید؟ دولت آمریکا در عوض چه فوایدی به شما داده است؟ می‌دانم که آنها بعضی تحریم‌ها را تعلیق کرده‌اند و یا در باز پرداخت دیون به شما کمک می‌کنند. چیز دیگری هم هست؟

دلالت‌های ضمنی: هر کشوری که با آمریکا همکاری کند، مورد حمایت‌های آمریکا قرار می‌گیرد.

سوال ۹- در کنفرانس مطبوعاتی بعد از مذاکره با پاول، گفتید که امیدوارید عملیات در افغانستان طولانی نشود. آیا فکر

می‌کنید این عملیات کوتاه خواهد بود؟

دلالت ضمنی: شاید این پرسش را بتوان نوعی طلب موضع از مشرف در قبال عملیات نظامی آمریکا در پاکستان دانست.

سوال ۱۰- شما در یک مصاحبه گفته‌اید که آمریکا ابتدا باید رهبر القاعده یعنی ملا عمر را دستگیر کند. یعنی قبل از بن لادن؟

دلالت ضمنی: شاید با این پرسش کینگ می‌خواسته است که اولویت مبارزه پاکستان با تروریسم را نشان دهد و همچنین یک دلالت ضمنی دیگر این‌که پاکستان ممکن است که منافع مشترکی با بن لادن داشته باشد که مشرف به دستگیری بن لادن اولویت نداده است و شاید با او ملاقات هم داشته است.

سوال ۱۱- احساس عمومی نسبت به آمریکا در کشور شما چیست؟ می‌دانیم که اعتراضات زیادی بر ضد ما می‌شود. ما آنها را دیده‌ایم. یک گروه نظامی بر ضد ماست. احساسات عمومی درباره آمریکا در پاکستان چگونه است؟

دلالت‌های ضمنی: مخالفت‌هایی که در پاکستان بر ضد آمریکا وجود دارد، بیشتر از سوی گروه‌های نظامی ضدقانونی است و مردم پاکستان مخالفت چندانی با آمریکا ندارند.

سوال ۱۲- آیا شما برای حمایت از آمریکا در کشورتان مشکلی دارید با توجه به این‌که معتقدید مردم پاکستان آمریکا را با احساس خیانت می‌شناسند؟

دلالت‌های ضمنی: این که شما از آمریکا حمایت می‌کنید، نشانه این است که تنها گروه کوچکی از مردم پاکستان با آمریکا مخالفند و اکثریت آنها نظر مثبتی نسبت به آمریکا دارند.

سوال ۱۳- هیچ‌یک از این‌ها را به بوش گفته‌اید و کلاً آیا مذاکرات منظمی با بوش دارید؟

دلالت‌های ضمنی: شاید سوال درصداست که چنین به ذهن تداعی کند که اگر شما و دیگر روسای کشورها مسائل خود را با رئیس‌جمهور آمریکا در میان بگذارید و به‌طور منظم با او جلسه داشته باشید، مشکلات شما حل خواهند شد.

سوال ۱۴- آیا در مورد افغانستان نیز چنین ترسی دارید که ناگهان از سوی آمریکا دچار خیانت شوید؟

دلالت‌های ضمنی: دلالت ضمنی این پرسش، بیشتر اعلام موضع صریح دولت پاکستان است. دلالت ضمنی آن مبنی بر این است که برای ایجاد امنیت روانی در پاکستان و دیگر کشورها آمریکا باید در افغانستان بماند.

سوال ۱۵- اگر آمریکا به عراق حمله کند چه؟

دلالت‌های ضمنی: شاید این سوال برای فهم واکنش بقیه مسلمانان در قبال حمله آمریکا به عراق باشد.

سوال ۱۶- آوارگان، شما این مشکل را حل می‌کنید؟ چه تعداد وارد مرزهای شما شده‌اند؟

دلالت‌های ضمنی: اول این‌که، آوارگان یک مشکل هستند که باید حل شود. این سوال می‌تواند به‌منظور جلب حمایت‌های بین‌المللی برای پاکستان به‌عنوان یک کشور بشردوست، پرسیده شده باشد و القای این نکته که پاکستان با وجود فقر مالی، باز پناهندگان و آوارگان را می‌پذیرد.

سوال ۱۷- هند و پاکستان هر دو سلاح هسته‌ای دارند. ما این را می‌دانیم. آیا نمی‌ترسید که بنیادگرایان اختیار این سلاح‌ها را بر دست گیرند و آن را به‌کار برند؟ چقدر اسلحه هسته‌ای شما حفاظت شده است؟

دلالت‌های ضمنی: در صورتی‌که این اسلحه به دست بنیادگرایان بیفتد، برای هر دو کشور بسیار خطرناک است و این احتمال وجود دارد. پس وجود یک ژاندارم در منطقه الزامی است.

سوال ۱۸- نظر شما درباره حادثه هلی‌کوپتر آمریکایی در پاکستان چیست که در اثر آن، دو سرباز آمریکایی کشته و سه تا زخمی شدند؟

دلالت‌های ضمنی: سربازان آمریکایی آماده فداشدن برای برقراری دموکراسی در همه دنیا هستند و پاکستان هنوز کشور ناامنی است و حضور آمریکا در منطقه برای برقراری امنیت الزامی است.

سوال ۲۰- آقای رئیس‌جمهور، در نهایت آیا شما بر آینده مبارزه با تروریسم خوش‌بین یا بدبین هستید؟ فکر می‌کنید این اتحاد موفق شود، یا نگرانید؟

دلالت‌های ضمنی: این سوال امتداد پرسش ۹ است. کینگ در چند مورد از مشرف خواسته است که موضع خود را درباره مبارزه با تروریسم و احتمال طولانی‌شدن آن اعلام کند.

مصاحبه لری کینگ با محمود احمدی‌نژاد

سوال ۱- آیا شما آمدن به نیویورک را دوست دارید؟

دلالت‌های ضمنی: به‌دلیل سفرهای رئیس‌جمهور به آمریکا، شاید کینگ این سوال را مطرح می‌کند تا فاصله تمدنی کشور خود و ایران را بیان کند و این‌که رئیس‌جمهور ایران، بسیار دوست دارد که در این کشور مورد توجه قرار گیرد.

سوال ۲- اما دشمنی بین دو کشور وجود دارد و یا حداقل بین رهبران دو کشور. آیا فکر می‌کنید می‌توانید گامی در این جهت بردارید؟ ملت‌ها با هم اختلافی ندارند؟

دلالت‌های ضمنی: اولین دلالت ضمنی این پرسش، تلقین این است که بین رهبران و ملت‌های دو کشور اختلاف عقیده وجود دارد و شاید قصد او این بوده است که به مخاطب القا کند که مردم ایران با رهبران‌شان هم‌عقیده نیستند.

سوال ۳- رئیس‌جمهور به نامه شما پاسخ نداد، داد؟

دلالت‌های ضمنی: دلالت ضمنی این سوال، ایجاد تصویر از رئیس‌جمهور کشور است که نامه‌ای به رئیس‌جمهوری دیگری می‌نویسد و این نامه بی‌پاسخ می‌ماند. پس شاید این سوال برای ایجاد تصویر یک رئیس‌جمهور نامعتبر نزد افکار عمومی باشد.

سوال ۴- بوش در آخر دوران خود است و شما با رئیس‌جمهور جدید مواجه خواهید بود، به هر حال، آیا میان نامزدهای آمریکایی ترجیحی دارید؟

دلالت‌های ضمنی: با توجه به اظهارنظر قبلی مقامات ایرانی، از جمله خود احمدی‌نژاد مبنی بر اولویت اوپاما برای ایران، این سوال، تداعی می‌کند که ایران ترجیح می‌دهد، اوپاما زمام قدرت را در آمریکا به‌دست بگیرد.

سوال ۵- آیا می‌خواهید با سناتور مک‌کین یا اوپاما ملاقات کنید؟

دلالت‌های ضمنی: باتوجه به سوال بعدی که چرا فکر می‌کنید که آنها نمی‌خواهند با شما ملاقات کنند، این سوال، نوعی تداعی است که رئیس‌جمهور ایران به‌شدت به مذاکره با این دو نماینده دارد ولی آنها نمی‌خواهند با رئیس‌جمهور ایران مذاکره کنند.

سوال ۶- چرا شما فکر می‌کنید که آنها نمی‌خواهند با شما ملاقات کنند؟ چرا بوش، مک کین یا اواما، نمی‌خواهند با شما صحبت کنند؟

دلالت‌های ضمنی: این سوال، ادامه سوال پیشین است و می‌خواهد چنین تداعی کند که به دلیل این‌که کشور شما، در نظام بین‌الملل، مورد انتقادات زیادی است، این افراد، تمایل ندارند با شما صحبت کنند.

سوال ۷- شما به‌عنوان یک کشور دشمن محسوب می‌شوید و چیزهای بسیاری درباره ایران، آمریکایی‌ها را نگران می‌کند. شما قبول می‌کنید که برای دنیای بهتر، یک مشکل بحث برانگیز هستید، نیستید؟

دلالت‌های ضمنی: دلالت ضمنی ندارد. هر آنچه که کینگ قصد گفتنش را داشته، بی‌پرده گفته است.

سوال ۸- اما شما از این‌که آمریکا، دنیا را از شر صدام خلاص کرد، خوشحال نیستید؟

دلالت‌های ضمنی: با طرح این پرسش کینگ می‌خواهد خط فکری ایران و عراق را یکسان تلقین کند. یعنی از آن‌جا که شما از حذف شدن صدام خوشحال نیستید، پس شما هم مثل صدام هستید.

سوال ۹- آقای رئیس‌جمهور! شما قبلاً شهردار بودید و ما اکنون خانم پالین را داریم که قبلاً شهردار بود و اکنون یک دولتی است که برای معاونت رئیس‌جمهوری تلاش می‌کند. درباره او چه فکر می‌کنید. آیا می‌خواهید او را ملاقات کنید.

دلالت‌های ضمنی: گفتمان این پرسش، و پرسش‌های ۵ و ۶ یکسان است، بدین معنی که می‌خواهد القا کند که شما در نهایت می‌توانید با شهردار سابق صحبت کنید و از طرف روسای جمهور به رسمیت شناخته نمی‌شوید.

سوال ۱۰- آیا او را ملاقات خواهید کرد، اگر او بگوید با شما ملاقات می‌کند؟

دلالت‌های ضمنی: این پرسش نیز در راستای پرسش‌های یاد شده است. به نظر می‌رسد که کینگ با طرح ۴

پرسش شبیه به هم قصد دارد تا ریاست جمهوری ایران را تاحد یک شهردار سابق پایین برد.

سوال ۱۱- خب یکی از بزرگترین وحشت‌هایی که آمریکا و در واقع همه جهان، درباره ایران دارد، به سلاح‌های هسته‌ای مربوط است. آیا می‌توانید به ما بگویید چه می‌کنید؟ آیا شما در حال ساختن این نوع سلاح هستید؟ شرایط کشور شما و سلاح‌های هسته‌ای چیست؟

دلالت‌های ضمنی: اولین مسئله این است که نگرانی آمریکا، نگرانی همه دنیاست و آمریکا نماینده بر حق دنیاست. دوم این‌که همه دنیا، نگران ایران هستند و ایران عامل وحشت در دنیاست. سوم این‌که کاربرد اصلی انرژی هسته‌ای در ایران برای ساخت سلاح است.

سوال ۱۲- پس شما برای بازرسی‌ها باز هستید؟ برای هر کسی که بخواهد بازرسی کند؟ اگر به آمریکا یا هر یک از اعضای جامعه بین‌الملل اجازه بازرسی بدهید، ترس‌ها از میان خواهد رفت.

دلالت‌های ضمنی: این سوال نوعی طلب اعلام موضع صریح از سوی ایران است و همچنین این‌که هر یک از اعضای جامعه بین‌الملل، تاسیسات ایران را بازرسی نکنند، ترس از میان نخواهد رفت. پس ایران چاره‌ای جز پذیرش بازرسی‌ها ندارد.

سوال ۱۳- شما درباره رژیم صهیونیستی گفتید. شما گفته‌اید که اسرائیل باید از نقشه حذف شود. اکنون وقتی شما می‌گویید شما یک ملت صلح‌طلب هستید، حتی منظوراتان اقدام نظامی نیست. منظور شما حذف سیاسی از نقشه است؟ دقیقاً منظوراتان چیست؟

دلالت‌های ضمنی: شما چطور می‌گویید که ایران صلح‌طلب است ولی می‌خواهد کشوری از نقشه حذف شود. او همچنین از رئیس‌جمهور ایران می‌خواهد به‌طور کامل مواضع خود را درباره حذف اسرائیل و اظهارات پیشینش بیان کند.

سوال ۱۴- آیا شما موافقید که با همه مردم خاورمیانه، از جمله اسرائیل، برای کارکردن درباره راه‌حل‌های مشترک فکر کنید؟ شما راه‌حل‌های زیان‌آور را نمی‌خواهید، بمب‌ها را نمی‌خواهید و شما نمی‌خواهید ملتی را از بین ببرید. شما می‌خواهید کارهای سیاسی انجام بدهید چرا نمی‌نشینید و با حضور اسرائیل مذاکره نمی‌کنید؟

دلالت‌های ضمنی: اول این‌که اسرائیل جزئی از خاورمیانه است. دوم این‌که، این شما نیستند که به تنهایی باید برای اسرائیل تصمیم بگیرید. و سوم این‌که اگر شما صلح‌طلب هستید، پس چرا با اسرائیل پای میز مذاکره نمی‌نشینید، پس شاید ادعای شما درست نباشد.

سوال ۱۵- اما دنیا اسرائیل را یک کشور می‌داند. هنوز در واقعیت یک کشور است و شما نمی‌توانید این حقیقت را تغییر دهید. «اسرائیل یک کشور است».

دلالت‌های ضمنی: شما مخالف همه دنیا نظر می‌دهید و شما نمی‌توانید نظر دنیا را تغییر دهید.

سوال ۱۶- از آنجا که خشونت راه‌حل نیست و اگر شوروی و آفریقای جنوبی بدون خشونت تغییر رژیم دادند، پس راه‌حل اسرائیل چیست؟ چگونه این مفهوم از صلح را به هر کجا ببریم؟ شما نمی‌خواهید اسرائیل نابود شود. من گمان می‌کنم شما نمی‌خواهید اسرائیل نابود شود. شما نمی‌خواهید فلسطینی‌ها بمیرند. پس پاسخ چیست؟

دلالت‌های ضمنی: این سوال به نوعی طلب اعلام راه‌حل صلح آمیز از طرف ایران است که هم اسرائیل به رسمیت شناخته شود و هم فلسطینی‌ها در امنیت باشند، پس راه‌حل ایران هرچه هست، باید در آن اسرائیل به رسمیت شناخته شود.

سوال ۱۷- من می‌دانم که شما به دلایلی منکر این شده‌اید، اما آیا صهیونیست‌ها از یک قتل‌عام جان به در نبرده‌اند؟ آیا آنها باز مانده‌های میلیون‌ها مرد، زن و کودک مرده نیستند؟

دلالت‌های ضمنی: از آنجا که یکی از مهم‌ترین دکترین‌های رئیس‌جمهور ایران نفی یا تردید در هولوکاست بوده است، کینگ، با این سوال می‌خواسته است بداهت واقعه هولوکاست را القا کند.

سوال ۱۸- آیا شما از حمله آمریکا یا اسرائیل می‌ترسید؟

دلالت‌های ضمنی: احتمال حمله آمریکا و اسرائیل به ایران وجود دارد. شاید کینگ با این سوال قصد داشته تا موضع ایران را به روشنی در قبال حمله احتمالی این دو کشور از زبان رئیس‌جمهور بشنود.

سوال ۱۹- به هر حال، درباره حقوق بشر در اسرائیل گفتید. آیا در کشور خودتان مسائل حقوق بشر ندارید؟

دلالت‌های ضمنی: این‌که شما از نقض حقوق بشر در اسرائیل سخن می‌گویید به نوعی فراکنی مشکلات و مسائل حقوق بشر در کشور خودتان است.

سوال ۲۰- مردم ایران معتزضند که حقوق بشری مشابه بقیه مردم ندارند. هم‌جنس‌بازان؛ شما سال پیش گفتید که ایران هم‌جنس‌باز ندارد. همه‌جا هم‌جنس‌باز دارد.

دلالت‌های ضمنی: در تمام محافل رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای دنیا این سوال مطرح بود که چرا لری کینگ وقتی از حقوق بشر در ایران صحبت می‌کند، درباره هم‌جنس‌بازان صحبت می‌کند. تحلیل بیشتر گفتمان این پرسش در بخش

نتیجه‌گیری خواهد آمد.

سوال ۲۱- آیا فکر می‌کنید که روابط بین آمریکا و ایران بهتر خواهد شد؟
دلالت ضمنی: کینگ با این پرسش قصد دارد چشم‌انداز آینده ایران درباره رابطه با آمریکا و میزان انعطاف‌پذیری ایران در این رابطه را از زبان رئیس جمهوری ایران بشنود.

سوال ۲۲- سناتور اواما درباره رابطه با ایران گفته است، اما سناتور مک کین نگفته است. او نسبت به دیپلماسی باز است. آیا این از نظر شما مطلوب است؟

دلالت‌های ضمنی: انتخاب مک کین مورد نظر ایرانی‌ها نیست و آنها اواما را ترجیح می‌دهند.

سوال ۲۳- در آمریکا به کجا دوست دارید بروید؟

دلالت‌های ضمنی: این سوال نیز در بخش نتیجه‌گیری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

سوال ۲۴- چند فرزند دارید؟ دختر یا پسر؟ چند ساله؟ زیاد پیر به نظر نمی‌رسید که فرزند متأهل داشته باشید. درباره این سوال نیز در بخش نتیجه‌گیری بحث خواهد شد.

تحلیل گفتمان مقایسه‌ای چهار مصاحبه

با توجه به آنچه در بالا رفت و مقایسه آن با پیشینه تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که مصاحبه‌های سیاسی نوعاً از الگوی رایج مصاحبه‌های لری کینگ تبعیت نمی‌کنند، زیرا براساس الگوی غالب مصاحبه‌های کینگ، او ۴۵ درصد زمان مصاحبه را به موضوعات سرگرم‌کننده اختصاص می‌دهد (گزارش یالانه درباره روزنامه نگاری در آمریکا، ۲۰۰۵) که در مورد مصاحبه‌های این چهار رئیس‌جمهور این موضوع صادق نیست. براساس همین الگو که ذکر می‌کند، لری کینگ تنها دو درصد قضاوت‌های شخصی خود را در مصاحبه دخیل می‌کند، به نظر می‌رسد که این الگو درباره چهار رئیس‌جمهور مورد تحقیق نیز صادق باشد.

اما نکته‌ای که قابل ذکر است این‌که در بخش استناد، استدلال‌های لری کینگ اصولاً خارج از چارچوب‌های متداول علمی است؛ به این معنی که او برای مستند کردن گفته‌هایش از استنادهای علمی استفاده نمی‌کند و به عبارتی نظیر "شنیده‌ام"، "می‌دانم که"، "شنیده می‌شود" و از این دست اکتفا می‌کند. این موضوع شاید با در نظر گرفتن طبقه‌بندی مخاطبان برنامه لری کینگ لایو قابل توجیه باشد، زیرا بیشترین مخاطبان برنامه‌های کینگ از لحاظ تحصیلات، مردم عادی و معمولاً معادل دیپلمه هستند و به همین دلیل مباحثات علمی و استنادهای با سند و مدرک جاذبه لازم را برای آنها ندارد.

همچنین همان‌گونه که گفته شد در تحلیل گفتمان، پژوهشگر هم باید خرده گفتمان‌ها را تحلیل کند و هم از وراي گفتمان‌های خرد به گفتمان کلان و در واقع به ایدئولوژی حاکم بر فضای گفتمانی دست یابد. پس در مورد این پژوهش ضروری است که پس از تحلیل شش‌گانه گفتمان حاکم بر هر پرسش، سوگیری کلان هر مصاحبه را کشف کنیم تا به واسطه آن به گفتمان کلان هر مصاحبه دست یابیم و همچنین هدف پژوهش یعنی مقایسه گفتمان حاکم بر این چهار مصاحبه و تشخیص کارکردهای این مصاحبه‌ها (تحلیل گفتمان کارکردگرا) میسر شود.

یکی از کارکردهای مصاحبه‌های سیاسی، کارکرد تصویرسازی (انگاره‌سازی) آن است. مولانا (۱۳۸۰) تصویر یا انگاره را مجموعه‌ای می‌داند که ذهن ما در مورد حقیقت و ابعاد مختلف آن پیش‌رو دارد. یک انگاره، ترکیب شاخص‌هایی است که فرد درباره شیء یا یک پدیده دارد. در مورد یک مصاحبه، انگاره‌سازی بدین معنی است که مصاحبه‌گر می‌کوشد که براساس هدف از پیش تعیین‌شده که این خود از ایدئولوژی مصاحبه‌گر که نماینده گفتمان کلان‌تری است (برای مثال ممکن است لری کینگ نماینده گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر رسانه سی.ان.ان و ایدئولوژی خود این رسانه هم برگرفته از ایدئولوژی حاکمان آمریکا باشد)، نوعی تصویر خاص از مصاحبه‌شونده بسازد.

نکته دیگری که در مورد مصاحبه‌های سیاسی زنده باید به آن اشاره کرد، این است که این مصاحبه‌ها به دلیل ایجاد وضعیتی غیرقابل پیش‌بینی برای مصاحبه‌شونده، این امکان را برای مصاحبه‌کننده (به نمایندگی از یک گفتمان کلان‌تر) فراهم می‌کند که هم واکنش مصاحبه‌شونده را در قبال مسائل پیش‌بینی نشده مشاهده کند و هم موضع صریح و بدون مطالعه قبلی او را در قبال موضوعی خاص متوجه شود (جفری، ۲۰۰۸). این مسئله در مصاحبه‌های لری کینگ در قالب خواست او از مصاحبه‌شونده برای اعلام موضع درباره موضوعات مطرح شده، نمایان است.

ویکتور یوشچنکو ؛ تلاش برای ساختن تصویری مثبت

در مورد مصاحبه لری کینگ با یوشچنکو، آنچه بارز است، تمایل کینگ به ساختن تصویری مثبت از او و مردم اوکراین نزد افکار عمومی آمریکاییان است. کینگ در بعضی پرسش‌ها تلاش کرده است که حتی دلسوزی مخاطب را نسبت به یوشچنکو جلب کند. هر چند هیچ‌گاه نمی‌توان گفت که کینگ که نماینده یک رسانه معتبر جهانی (سی-ان-ان) است، درصدی بوده است که تصویری کاملاً مثبت و بدون خدشه از مصاحبه‌شونده بسازد؛ چراکه او در پاره‌ای موارد پرسش‌های چالش‌برانگیزی نیز از رئیس‌جمهوری اوکراین می‌پرسد که پرسش درباره انحلال کابینه، کنار گذاشتن یولیا تیموشنکو و نوع زندگی فرزند یوشچنکو نمونه‌هایی از این چالش‌ها هستند.

در مجموع، اگر انگاره‌سازی را یکی از کارکردهای اصلی مصاحبه‌هایی از این دست بدانیم، می‌توان گفت که به‌طور نسبی (و نه مطلق) تصویری که از یوشچنکو ساخته می‌شود، تصویری مثبت است.

ولادیمیر پوتین ؛ او جاه‌طلب است

در تحلیل گفتمان این مصاحبه باید گفت که این گفتمان شباهت زیادی به گفتمان حاکمان آمریکا درباره روسیه دارد. وقتی کینگ در اولین پرسش از پوتین می‌پرسد که آیا قدرت او را هیجان‌زده می‌کند، شاید به‌طور ضمنی قصد ساختن تصویری قدرت‌طلب از پوتین دارد که حاضر است برای بقای قدرت، مخالفان را سرکوب کند، از دیگر کشورها (موضوع زبرداری) کمک نخواهد و جاسوس‌بازی را بین دو کشور رواج دهد. در این میان روحیه هم‌اوردطلبانه او (زیرا او یک جودوکار است) می‌تواند این ادعاها را با قوت بیشتر ثابت کند. نکته دیگر این‌که، روسیه تحت امر او، دچار فساد و بیماری اقتصادی شدیدی است.

پرویز مشرف ؛ گفتگو برای تشخیص مواضع

"کشور او در جنگ علیه تروریسم، متحد آمریکاست". این اولین جمله‌ای است که کینگ درباره مشرف می‌گوید و شاید از همان ابتدا می‌خواسته است، با ایجاد تصویری مثبت از مشرف و پاکستان فضای گفتمانی مثبتی را بر مصاحبه حاکم کند.

هرچند که کینگ براساس سنت همیشگی‌اش که چالش را یک اصل در مصاحبه می‌داند، از پرسش‌های چالش‌برانگیز و بیان پیش فرض‌های منفی درباره مشرف و پاکستان هم اجتناب نکرده است، اما می‌توان گفت که در مجموع، تصویر

ساخته شده از مشرف، تصویری مثبت و صلح خواه است. نکته‌ای که در این مصاحبه بارها دیده می‌شود، درخواست اعلام موضع صریح مشرف درباره پاره‌ای از مسائلی است که ابعدی از آنها به حضور آمریکا در منطقه بر می‌گردد. در اینجا یک فرض رخ‌نمایی می‌کند و آن این است که یکی از کارکردهای چنین مصاحبه‌هایی اعلام یک موضع صریح از سوی مصاحبه‌شونده است که در همه جهان شنیده شود. این اعلام مواضع هم برای سیاست خارجی آمریکا پاره‌ای از مجهولات را معلوم می‌کند و هم می‌تواند تصویر آمریکا را در میان ملل مختلف برای حاکمان این کشور روشن کند. همچنین اعلام موضع در رسانه‌های با برد جهانی نوعی التزام برای روسای جمهوری به وجود می‌آورد و چه بسا آنها تحت‌تاثیر فضای حاکم بر مصاحبه اعلام مواضعی متفاوت از استراتژی‌های کلان کشور خود داشته باشند (همان، 2008).

محمود احمدی‌نژاد؛ الگوی یکسان، گفتمان متفاوت

مقایسه تطبیقی این مصاحبه با سه مصاحبه دیگر نشان می‌دهد که از لحاظ الگوی مصاحبه، این مصاحبه با سه مصاحبه دیگر تفاوتی ندارد.

"ایا آمدن به نیویورک را دوست دارید؟" این اولین سوال کینگ از رئیس‌جمهوری کشورمان است. نگاهی به این پرسش و چند پرسش ابتدایی مصاحبه از تلاش کینگ برای غیرموجه جلوه دادن رئیس‌جمهوری کشورمان حکایت می‌کند. او با طرح این پرسش که "چرا روسای جمهوری ما نمی‌خواهند با شما ملاقات کنند" و همچنین با همتا قرار دادن رئیس‌جمهوری ایران با یک شهردار سابق، آگاهانه، قصد دارد اهمیت مقام ریاست‌جمهوری ایران را زیر سوال ببرد. مورد دیگر را می‌توان تلاش کینگ در ساختن تصویری متفاوت از ایران در عمل، نسبت به آنچه مقامات ایرانی در حرف بیان می‌دارند، دانست. در جایی که کینگ می‌پرسد که اگر شما ادعا می‌کنید، صلح طلب هستید، پس معنی حذف اسرائیل از روی نقشه چیست؟

در پاره‌ای از پرسش‌ها (مثلا سوال ۱۲) کینگ تعدادی پیش‌فرض در پرسشش دارد: "شما صلح طلب هستید، بمب‌ها را نمی‌خواهید، منظورمان حذف نظامی نیست و ...". این نوع پیش‌فرض‌ها را می‌توان از دو جنبه مطالعه کرد: ۱. تلاش کینگ برای ایجاد نوعی مقایسه در ذهن مخاطب که بین حرف و عمل مقامات ایرانی تناقض وجود دارد. ۲. ایجاد پیش‌فرض برای رئیس‌جمهوری ایران که با این ترفند، دایره پاسخ‌های رئیس‌جمهور ایران را محدود کند و سپس از او موضع رسمی ایران را بشنود.

طلب اعلام رسمی موضع درباره بعضی موضوعات که در مصاحبه کینگ با مشرف دیده می‌شد، در این مصاحبه نمود بیشتری یافته است. قالب اصلی غالب پرسش‌های کینگ از رئیس‌جمهور کشورمان به این شکل است که او پس از طرح یک یا چند پیش‌فرض، از رئیس‌جمهوری می‌خواهد که موضع رسمی خود را در قبال موضوع بیان کند (برای نمونه به سوال ۱۶ نگاه کنید).

یکی از پرسش‌هایی که در محافل مختلف و حتی در خود آمریکا بسیار بحث برانگیز بود، مطرح کردن موضوع نقض حقوق همجنس‌بازان به منزله نمود نقض حقوق بشر در ایران بود. این پرسش را می‌توان از چند دید تحلیل کرد:

۱. کینگ، اطلاع دقیقی از اوضاع ایران و اتهاماتی که در مجامع بین‌المللی درباره ایران مطرح می‌شود، نداشته است که البته در اینجا تیم پشتیبان کینگ یعنی کسانی که او را هدایت می‌کنند نیز زیر سوال می‌روند؛ مگر این‌که فرض را بر این بگذاریم که کینگ در طرح پرسش‌ها اختیار کامل دارد و به کسی اجازه دخالت نمی‌دهد.

۲. احتمال دوم به کارکرد این مصاحبه برمی‌گردد. می‌دانیم که موضوع همجنس‌بازان در حال حاضر فقط در غرب و آن هم به‌طور خاص در آمریکا به‌منزله یک موضوع حقوق بشر مطرح است و این موضوع حتی در اروپا نیز محل چالش زیادی نیست. در ایران نیز به‌مثابه مخاطب دیگر این مصاحبه، همجنس‌بازی دغدغه فکری نزد افکار عمومی ایرانیان نیست. پس از آنجا که بسیاری از مسائل دیگر حقوق بشر که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه محل مناقشه است، در آمریکا دست‌کم در لفظ حل شده‌اند و بحث روز حقوق بشر در آمریکا بحث همجنس‌بازان است و نیز با توجه به این فرض که مخاطبان عمده برنامه‌های کینگ در آمریکا سطح تحصیلات بالایی ندارند، پس این فرض که این پرسش تنها برای ایجاد یک تصویر ضد حقوق بشر قابل فهم برای عامه آمریکاییان از ایران مطرح شده است، قوت می‌گیرد.

در مورد دو پرسش آخر، نیز می‌توان چنین گفت که این پرسش‌ها، پرسش‌های نامتعارفی در مصاحبه‌های کینگ نیستند و در مقایسه آن با سه مصاحبه دیگر، این پرسش‌ها از یک الگو تبعیت کرده‌اند، زیرا از سه رئیس‌جمهور دیگر (البته درباره مشرف چندان صدق نمی‌کند) نیز سولات شخصی مطرح شده است. (سولات ۱۲ و ۱۳ از رئیس‌جمهوری اوکراین و ۲۱ از رئیس‌جمهوری روسیه). اما شاید بتوان چنین استنباط کرد که گزاره "خیلی جوان به‌نظر می‌رسید" در انتهای مصاحبه نوعی دلالت ضمنی بر کم‌تجربه بودن رئیس‌جمهور ایران در مسائل بین‌المللی داشته باشد.

در مجموع با توجه به فضای حاکم بر گفتمان پرسش‌های کینگ از رئیس‌جمهوری ایران، می‌توان نتیجه گرفت که تلاش او در جهت ایجاد نوعی تصویر منفی از ایران در نزد افکار عمومی آمریکاییان بوده است؛ کشوری که دولت آن دشمن محسوب می‌شود و یک تهدید بالقوه برای تمام جهان است.

تحلیل مقایسه‌ای

همان‌طور که گفته شد، هر چهار مصاحبه از لحاظ الگوی حاکم بر آنها یکسان هستند؛ بدین ترتیب که یک پرسش محوری در هر مصاحبه وجود دارد که بیشترین حجم مصاحبه حول محور آن و موضوعات مربوط به آن می‌باشد. برای مثال در مورد رئیس‌جمهوری ایران موضوع اسرائیل موضوع محوری مصاحبه است که گفتمان مصاحبه را نیز تحت‌تاثیر اظهارات پیشین رئیس‌جمهوری ایران مبنی بر حذف اسرائیل از نقشه شکل می‌دهد.

نقطه مشترک دیگر تمام مصاحبه‌ها جلوه دادن آمریکا به‌منزله حافظ صلح در دنیاست که وجودش برای برقراری نظم جهانی الزامی است. در این میان از ژنرال مشرف و بوش‌چنگو به‌دلیل همگامی راهبردی با آمریکا تصویر مثبت ساخته می‌شود و از پوتین و احمدی‌نژاد تصویر منفی ساخته می‌شود. البته نکته‌ای که هرگز نباید از یاد برد، نسبی بودن این تصاویر است؛ بدین معنی که چهار رئیس‌جمهور از لحاظ تصویر ساخته شده از آنها در مصاحبه، در یک طیف قرار می‌گیرند و هیچ‌کدام سفید یا سیاه مطلق نیستند. در گفتمان این مصاحبه‌ها، آمریکا نماینده جهان، نگرانی او نگرانی جهان، تلقی مردمش از دیگر کشورهای بسیار مهم و حیاتی برای دیگر کشورهاست و مردمش به آنچنان بلوغی رسیده‌اند که نگران دموکراسی در کشورهای دیگر هستند.

نکته مشترک دیگر در این مصاحبه‌ها تقاضای کینگ از مصاحبه‌شوندگان (به‌ویژه آقایان مشرف و احمدی‌نژاد) برای اعلام موضع صریح خود درباره پاره‌ای موضوعات است که این فرض را به ذهن متبادر می‌کند که بخشی از این مصاحبه‌ها در راستای کشف موضع صریح کشورهای هدف درباره موضوعات مورد علاقه آمریکا است و شاید از این جهت، کارکردی برای

سیاستمداران آمریکایی داشته باشد.

موضوع دیگر که در این مقایسه خودنمایی می‌کند، یک سوال مشترک از آقایان پوتین و احمدی‌نژاد مبنی بر این است که آیا آنها در میان نامزدهای ریاست‌جمهوری آمریکا اولویتی دارند و آیا علاقه‌مند به مذاکره با آنها هستند؟ این پرسش باعث تقویت یکی از نتیجه‌گیری‌های این مقاله مبنی بر همسنگ بودن گفتمان مصاحبه‌های آقایان احمدی‌نژاد و پوتین و شبیه بودن تصویر ساخته شده از این دو رئیس‌جمهور می‌شود.

پرسش دیگر این پژوهش کشف این بود که مخاطبان اصلی چنین برنامه‌هایی چه کسانی هستند؟ مردم آمریکا، مردم کشور هدف یا مردم همه دنیا و یا سیاستمداران؟

در مورد سیاستمداران این فرض چندان به واقعیت نزدیک نیست زیرا:

۱. سیاستمداران به‌خوبی از موضع این افراد در قبال مسائل مورد بحث آگاه هستند و همچنین قضاوت‌های خود درباره کشورها و روسای جمهور آنها را بر مصنوعات یک رسانه متکی نمی‌کنند.

۲. مصاحبه‌های کینگ از لحاظ استناد که در علوم سیاسی - اجتماعی نشانه اعتبار منبع است، ضعیف است و در مورد این مصاحبه‌ها می‌توان گفت قریب به اتفاق استنادها بر اساس گزاره‌های "شنیده‌ام"، "می‌دانم" و . . . بنا شده است. پس بحث‌ها از این لحاظ در عالم سیاست اعتبار چندانی ندارند. اما با تمام این احوال شکی نیست که سیاستمداران جهانی از جریان این مصاحبه‌ها آگاه خواهند شد و پاره‌ای از قضاوت‌های خود را بر مبنای این مصاحبه‌ها قرار می‌دهند.

پس مخاطب این برنامه‌ها را می‌توان از جنس مردم عادی دانست و در این میان این فقط مردم کشور آمریکا و کشور هدف هستند که مشتاق چنین مصاحبه‌هایی هستند، زیرا این قبیل مصاحبه‌ها برای مردم دیگر کشورها فاقد ارزش‌های خبری هفت‌گانه است. با این وجود از آنجا که رسانه سی.ان.ان یک رسانه نخیه‌گراست و تلویزیون آن یک شبکه ماهواره‌ای است، پس می‌توان نخبگان کشورهای دیگر (به‌غیر از آمریکا و کشور هدف) را مخاطبان درجه سوم این قبیل مصاحبه‌ها دانست.

با نگاهی به مخاطب‌شناسی برنامه‌های کینگ می‌توان نتیجه گرفت که نوع بحث‌های او دقیقاً متناسب با نوع مخاطبان اوست؛ مخاطبانی که بیشترشان دیپلمه، زن، مسن، سفیدپوست، از لحاظ مذهبی متعادل، و از لحاظ سیاسی نیز متعلق به هر دو طیف دموکرات و جمهوری‌خواه هستند (آناند و بیزالوف، ۲۰۰۸).

در مورد مردم کشور هدف نیز باید گفت، هرچند که از لحاظ عقلانی چنین مصاحبه‌هایی، کشور هدف را نیز مورد توجه قرار می‌دهد، اما مخاطب اصلی آن مردم آمریکا هستند و این موضوع را می‌توان از شکل سوالات متوجه شد (برای مثال پرسش مربوط به همجنس‌بازان از احمدی‌نژاد).

یک اصل مشخص در مصاحبه‌های کینگ، اجتناب نکردن او از ایجاد چالش برای مصاحبه‌شوندگان، حتی مصاحبه‌شوندگانی که قصد ایجاد تصویری مثبت از آنها دارد، می‌باشد. هرچند شکل این چالش‌ها، پیش فرض‌های آن، تعداد سوالات چالش‌برانگیز و تلاش مصاحبه‌کننده برای گرفتن پاسخ مشخص از مصاحبه‌شونده، متفاوت است. برای نمونه وقتی از یوشچنکو سوالات چالشی نظیر پرسش درباره یولیا تیموشنکو می‌پرسد به جواب او راضی می‌شود و دیگر پرسش را ادامه نمی‌دهد و یا در صورت ادامه درصدد تعدیل فضای مصاحبه است؛ مثلاً وقتی از یوشچنکو درباره شیوه زندگی پسرش می‌پرسد، می‌کوشد با اظهارنظر بعدی خود: "مهم‌ترین چیز این است که او پسر خوبی است." زهر پرسش قبلی را بگیرد و به‌نوعی برجسته‌سازی کند.

اما وقتی از پوتین درباره زیردریایی می‌پرسد، از ادامه دادن سوال و اختصاص دادن سوالات بعدی به همین موضوع تا روشن شدن ماجرا ابایی ندارد؛

جدول زیر به‌طور خلاصه فضای حاکم بر وضعیت گفتمانی مربوط به مصاحبه‌های لری کینگ با روسای جمهور فوق‌الذکر را نشان می‌دهند.

در جدول (۱)، برآیند گفتمان کلان حاکم بر مصاحبه کینگ با سه رئیس‌جمهور (به‌جز احمدی‌نژاد)، بر اساس هشت شاخص به‌صورت خلاصه آمده است. جدول (۲)، همین موضوع را در مصاحبه کینگ با احمدی‌نژاد نشان می‌دهد.

جدول ۱. برآیند گفتمان کلان حاکم بر مصاحبه کینگ با سه رئیس‌جمهور

مصاحبه شونده	ویکتور یوشچنکو	ولادیمیر پوتین	برویز مشرف
			گفتمان
واژگان	در مجموع واژگان مثبت و منفی برابر می‌کنند.	واژگان منفی از مثبت بیشتر است.	
افراد یا نهادهای مطرح شده در متن	بیشتر مربوط به داخل اوکراین هستند.	بیشتر مربوط به کی.جی.ب است.	بیشتر مربوط به طالبان است
قطب‌بندی	هیچ‌گونه قطب‌بندی (ما و شما) ندارد.	در چند مورد دیده می‌شود (آمریکا و روسیه).	در موارد معدودی دیده می‌شود.
پیش فرض	عمدتاً مثبت و به نفع مصاحبه‌شونده است.	پیش فرض‌ها عمدتاً علیه مصاحبه‌شونده است.	پیش فرض‌ها عمدتاً به موضوع طالبان مربوط می‌شود و در جهت اعلام موضع از مشرف ترتیب داده شده‌اند.
برجسته‌سازی	ایجاد حس، همدلی در مخاطب	وجه قدرت دوستی و	باکستان در راه درستی بای

نسبت به یوشچنکو	جاه طلبی شخصیت پوتین	گذارده است؛ یعنی اتحاد با آمریکا در مبارزه با تروریسم
دولت و ملت اوکراین دوست آمریکا هستند.	روسیه کشوری تکرو در جهان است.	پاکستان کشوری دوست است که البته صداهای مخالفی که گه گاه از این کشور به گوش می رسد، بسیار خفیف و مربوط به گروه اقلیت است.
توجیه وجهه یوشچنکو در اوکراین	نشان دادن چهره سرکوبگر و تکرو از روسیه نزد افکار عمومی روسیه و آمریکا	طلب اعلام موضع برای افکار عمومی آمریکا و پاکستان
ندارد.	در موارد بسیاری دیده می شود.	در موارد زیادی مشاهده می شود.

جدول ۲. برآیند گفتمان حاکم بر پرسش های مصاحبه کینگ با رئیس جمهور ایران

مصاحبه شونده	دکتر محمود احمدی نژاد
گفتمان	
واژگان	عمدتا منفی و به ضرر مصاحبه شونده است.
افراد یا نهادهای مطرح شده در متن	بیشترین پرسش درباره اسرائیل است.
قطب بندی	در موارد زیادی دیده می شود.
پیش فرض	در موارد زیادی دیده می شود.
برجسته سازی	رئیس جمهور ایران به منزله فردی که علاقه زیادی به مطرح شدن دارد.
انگاره سازی	تصویر کردن ایران به مثابه یک کشور تکرو که باعث نگرانی جهانی است و به بسیاری از عرف های بین المللی توجهی نمی کند و خطری بالقوه برای امنیت اسرائیل و جهان است.
کارکرد غالب مصاحبه	افکار عمومی مردم آمریکا
طلب اعلام موضع در قبال یک موضوع	در موارد زیادی مشاهده می شود.

در جدول ۳، گفتمان ۴ مصاحبه از حیث تکرار شاخص ها در طول هر مصاحبه مورد مقایسه قرار می گیرند. توضیح این که منظور از کلمات منفی و مثبت در این تحلیل، بر پایه نظام ارزشی و گفتمان طرف مصاحبه کننده یعنی لری کینگ به نمایندگی از شبکه سی.ان.ان و کل دولت آمریکا است. بنابراین، برای مثال منظور از پیش فرض منفی، پیش فرضی است که در نظام ارزشی آمریکایی منفی تلقی می شود و نشان از جهت گیری منفی مصاحبه کننده نسبت به موضوع دارد.

جدول ۳. مقایسه تکرار شاخص ها در ۴ مصاحبه

مصاحبه شونده	ولادیمیر پوتین	پرویز مشرف	محمود احمدی نژاد
شاخص گفتمان			
ویکتور یوشچنکو	سوال ۲۲، ۱۷، ۱۶، ۷، ۴	قطب بندی بین آمریکا (ما) و پاکستان (شما) فقط در ۱۱ سوال و ۱۲ دیده می شود.	سوال ۳۱، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱
به جز سوال شماره ۲، که آن هم بسیار خفیف است، قطب بندی بین آمریکا و اوکراین وجود ندارد.			
عمدتا مثبت و به نفع مصاحبه شونده است.	عمدتا منفی: سوال ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۵	عمدتا منفی (سوال ۱۲، ۱۱، ۳، ۱۱)، دو مورد مثبت (۸ و ۷) یک مورد خنثی (۱۰)	خنثی: سوال ۲۴، ۲۲، ۱۰، ۹، ۸ منفی: ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۲، ۱۱، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱ مثبت: ۱۶، ۱۴
برجسته سازی	مثبت	نسبتا مثبت	منفی
انگاره سازی	مثبت	نسبتا مثبت	منفی

کارکرد غالب مصاحبه	مردم اوکراین	مردم روسیه و آمریکا	سیاستمداران آمریکا	مردم و سیاستمداران آمریکا و همه دنیا
طلب اعلام موضع در قبال یک موضوع	ندارد	سوالات ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۹	سوالات ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۸	سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱

نتیجه‌گیری؛

از آنچه گفته شد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که مصاحبه کینگ با ویکتور یوشچنکو از هر لحاظ متفاوت از سه مصاحبه دیگر است. هر چند کینگ بنا بر عرف متداول مصاحبه‌های سیاسی و شیوه همیشگی خود، در این مصاحبه نیز از چند پرسش چالشی استفاده کرده است، اما مقایسه تعداد، اهمیت و درجه چالشی بودن پرسش‌ها و همچنین شکل پی‌گیری کینگ از پاسخ‌های مصاحبه‌شونده نشان می‌دهد که این مصاحبه از لحاظ جنس با سه مصاحبه دیگر متفاوت است.

هرچند که کینگ در مصاحبه با ژنرال مشرف تعداد پرسش‌های چالشی بیشتری مطرح کرده است و همچنین از پیش فرض‌های منفی بیشتری نسبت به مصاحبه‌اش با یوشچنکو استفاده کرده است، باز می‌توان چنین نتیجه گرفت که فضای گفتمانی حاکم بر مصاحبه مثبت بوده و کینگ قصد داشته که انگاره نسبتاً مثبتی از مشرف و پاکستان بسازد. البته در مورد این مصاحبه باید به تعدد موارد طلب اعلام موضع از سوی مشرف اشاره کرد که احتمال کارکرد سیاسی این مصاحبه را تقویت می‌کند.

آنچه در مصاحبه پوتین نمایان است، افزونی موارد قطب‌بندی و پیش فرض‌های منفی نسبت به دو مصاحبه پیشین است. کینگ در این مصاحبه کوشیده است با برجسته‌سازی نکاتی مثل خوی رقابت‌جویی پوتین، میل ذاتی او به فعالیت‌های جاسوسی و طبع سرکوب‌گرانه او، انگاره‌ای منفی از او نزد مردم آمریکا و روسیه بسازد. در مورد آخر یعنی مصاحبه با رئیس‌جمهور ایران، همان‌طور که متن مصاحبه و جداول نشان می‌دهند، بیشترین موارد بر طرح پیش‌فرض‌های منفی، قطب‌بندی و طلب اعلام موضع استوار بوده است. هر چند که مصاحبه‌کننده با طرح چند پیش‌فرض خنثی و مثبت، سعی در تلطیف فضای مصاحبه داشته است، اما فضای کلی گفتمانی حاکم بر پرسش‌های مصاحبه منفی است. در نهایت باید گفت که کینگ با برجسته‌سازی نکاتی مانند میل رئیس‌جمهور ایران به مطرح شدن در اذهان جهانی و فردی که به بسیاری از عرف‌ها و معاهدات بین‌المللی پایند نیست، سعی در ساختن انگاره‌ای منفی و منزوی از ایران دارد.

منابع

منابع فارسی

- اکسفورد، بری و ریچارد هاگینز (۱۳۸۷). **رسانه‌های جدید و سیاست**. ترجمه بابک دربیکی. چاپ نخست. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۸). **درآمدی به تحلیل گفتمان**. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). **فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان**. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- روزنامه هموطن سلام (۱۳۸۷)، "لری؛ پادشاه مصاحبه‌ها"، چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۷.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). **راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران**. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۲)، "درآمدی به سخن‌کاوی"، در *مجله زبان‌شناسی*.
- مولانا، حمید (۱۳۸۰)، "انتفاضة فلسطین و انگاره‌سازی رسانه‌های غرب"، ارائه شده در *همایش رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضة فلسطین*.

منابع انگلیسی

- Anand, B. and Dmitri B. (2008), Spatial Competition in Cable News: Where Are Larry King & O Reilly Located in Latent Attribute, April 2008. Accessed on January 31, 2010 at the following address: www.people.hbs.edu/banand/CableNws.pdf
- Chilton, Paul and Schäffner, Christina. (1997), Discourse and Politics, In *Teun van Dijk (ed.) Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*, vol. 2: Discourse as Social Interaction, London: Sage, 206–230.
- Ekström, Mats. (2001), Politicians Interviewed on Television News, In *Discourse & Society*, 12 (5).

- Fairclough, N. (1991), Language and Power. London and New York: Longman.
- Fairclough, N. (1992), Discourse and Social Change. Cambridge. Polity Press.
- Fairclough, N. (1999), Democracy and the Public Sphere in Critical Research on Discourse, Vienna. Passagen Verlag.
- Geoffrey, C. (2008), Political News Media Interviews as Agonistic Encounter , presented in *annual meeting of International communication association*, TBA, Montreal, Canada.
- Haris, Sandra, (1991), Broadcast Talk . Part V: How politicians respond to Questions in Political Interviews. Sage Publication.
- Takgi, S. (2008), *Incorporating Critical factors into Discourse Analysis: An Analysis of Interviewing Strategies in TV Talk Show*, In *Journal of Language and Culture*, Vol. 3,2008
- An Annual Report on American Journalism (2005), The State of News Media, available at: www.journalism.org.
- Van Dijk, Teun A. (2001), Discourse, Ideology and Context, available at: www.discourse.org

